

«تأثیر تعیین کننده انسجام و وحدت ملی» در موفقیت‌های چهار دهه اخیر از تجربه‌های جمهوری اسلامی است؛ باید از این تجربه موفق در اداره کشور استفاده کرد؛ البته «وحدت» منافاتی با اعلام مخالفت با سیاست‌های دستگاه‌ها ندارد.
(۹۶/۳/۲۲)

▼ حرف روز

مراقب گفتارمان باشیم!

در سال‌های اخیر، هر از چند گاهی شاهد دعواهای لفظی و بگو مگوهای مسئولان قوا، مسئولان عالی کشور و شخصیت‌های شناخته شده در زمینه برخی مسائل هستیم که گویا ترجیح می‌دهند از تریبون رسانه‌های جمعی همدیگر را به چالش دعوت کنند! اگرچه شاید در برخی از این اظهار نظرها به طور مستقیم مسئولی مورد خطاب قرار نگیرد؛ اما کنایه‌های روشن و معناداری که در مواردی نیز خارج از دایره انصاف است، بیان می‌شود که افکار عمومی می‌تواند آنها را فهم و تجزیه و تحلیل کند. این نوع مواجهه کارگزاران با یکدیگر سبب ایجاد یک تنش ناخواسته در فضای رسانه‌ای و به تبع آن در بین اذهان عمومی می‌شود. در این میان، اولین سؤال دلسوزان نظام و کشور همواره این است که چرا مباحث اختلافی که طبیعی هم هست در جلسات مشترک و محرمانه حل و فصل نمی‌شود و لاجرم باید به فضای عمومی و رسانه‌ها کشیده شود؟! در حالی که سازوکارهای قانونی برای حل و فصل این مسائل در قانون اساسی و ساختار نظام اسلامی پیش‌بینی شده است.

یکی از سیاسیون نقل می‌کرد، سال‌ها پیش در سفری که به یکی از کشورهای همسایه - که حداقل سازوکار مردم‌سالاری را هم ندارد - داشتیم، یکی از مسئولان آن کشور این مطلب را مطرح کرد که مسئولان کشور ما در جلسات داخلی خود دعواهای‌شان را انجام می‌دهند و وقتی از جلسه خارج می‌شوند، با لبخند با یکدیگر برخورد می‌کنند؛ ولی در کشور شما (ایران) عکس قضیه صدق می‌کند؛ چرا که مسئولان و دولتمردان در جلسات غیررسمی به هم لبخند می‌زنند و دعاها و اختلاف نظرهای‌شان را بیرون از جلسات در معرض افکار عمومی و رسانه‌ها مطرح می‌کنند!

واقعیت این است که تلاش هر یک از مسئولان برای اثبات حقانیت خود در موضع‌گیری‌های علنی نه تنها دردی از مردم دوا نمی‌کند؛ بلکه به افزایش فشارهای روانی بر جامعه منجر می‌شود که به نوعی ناامیدی و بی‌اعتمادی را در درازمدت به همراه خواهد داشت که همان خواست دشمن است. به نظر نگارنده، باید مسئولان نظام در این زمینه هم به رهبر فرزانه و حکیم انقلاب تاسی کنند که فرمودند: «آنچه من گاهی علنی می‌گویم، یک‌دهم آنچه در جلسات خاص با آقایان عرض می‌کنیم هم نمی‌شود؛ گاهی هشدار می‌دهیم، گاهی دعا می‌کنیم...»

▼ گزارش روز

نگران‌کننده‌تر از سرنوشت برجام

روزنامه «شرق» می‌نویسد: «ایران باید به شدت مراقب روابط خود با قاره سبز بوده و موضوعاتی مانند برنامه موشکی، تحولات منطقه و حقوق بشر را که آمریکا با توسل به آنها درصد دورکردن اروپا از ایران است، مدیریت کند. تلاش برای حل مشکلات منطقه با مشارکت کشورهای تأثیرگذار و از جمله عربستان سعودی حتی در این شرایط بسیار بد روابط، شفاف‌سازی برنامه موشکی و برون‌رفت از مشکلات داخلی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، می‌تواند مواضع اروپا را در حمایت از ایران و فشار بر آمریکا تقویت کند و برای آن تیتیر «بدترین وضعیت برجام» را انتخاب می‌کند. اما آنچه در این میان نگران‌کننده است، وضعیت بد برجام و بی‌نتیجه بودن آن نیست؛ بلکه برعکس ادامه تلاش و توصیه برای هزینه کردن به منظور حفظ برجام با وضعیت فعلی آن و عدم تعهد طرف‌های غربی به وظایف‌شان در قبال آن و دمیدن روح در کالبد بی‌جان این توافق است. خطرناک‌تر و نگران‌کننده‌تر از برجام با همه هزینه‌ها و عبرت‌هایش برای کشور این مسئله است که همان جریان‌هایی که پیش از آغاز دولت اعتدال، زمانی که سعید جلیلی و کاترین اشتون در غیاب نماینده آمریکا در آلمانی مذاکرات هسته‌ای را پیش می‌بردند، پی‌درپی یادداشت و سرمقاله به چاپ می‌رساندند که اروپا را رها کنید، برای به نتیجه رسیدن مذاکرات باید رودرروی آمریکا نشست تا اینکه جمهوری اسلامی با روی کار آمدن دولت یازدهم در برابر آمریکا نشست و مذاکرات را پیش برد و برجام امضا شد و نتیجه شد آنچه امروز می‌بینیم. حال همان رسانه‌ها پی‌درپی مقاله می‌نویسند و توصیه می‌کنند، آمریکا را رها کنید و اروپا را دریابید؛ از آن عجیب‌تر اینکه حتی توصیه می‌کنند برای حفظ برجام شاهزادگان سعودی را هم راضی نگه داریم! آنچه موجب نگرانی است باقی ماندن یا پایان یافتن برجام نیست؛ بلکه میدان‌داری جریان‌ها و رسانه‌هایی است که نتیجه توصیه و تدبیرشان پیش روی ماست.

▼ اخبار ویژه

انتقاد از شرکت مردم در راه‌پیمایی‌ها!

روزنامه اصلاح‌طلب «بهار» در یادداشتی عجیب نوشت: «سؤالی که از راه‌پیمایی‌کنندگان (علیه اغتشاشات اخیر) باید پرسید این است، حالا که مردم معترض دیگر در خیابان‌ها نیستند چه راهی برای رساندن کم و کاستی‌ها به گوش مسئولان دارید؟ چگونه می‌خواهید مطالبات مردم را پیگیری کنید؟ شرایط موجود، نارضایتی و سرخوردگی‌ها را که می‌بینید، چگونه می‌خواهید آنها را به مسئولان گوشزد کنید و بگویید حضور ما در خیابان به منزله تأیید عملکرد شماها نبود؟ آیا قرار است هر وقت که مردم از شرایط ناراضی بودند و چاره‌ای به جز اعتراض کردن برای رساندن صدای‌شان به مسئولان نداشتند، شماها در خیابان حاضر شوید و جواب آنها را بدهید، آیا با این کار یک طرفه مخالفت با اعتراض‌ها، مسبب این نابسامانی‌ها را از پاسخگویی مبرا نمی‌کنید؟»

رادپواکتیو اثری بر فوت پدرم نداشت

محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران گفت: علت فوت پدرم ایست قلبی بود و توقف عملیات احیای ایشان با هماهنگی محمد هاشمی، برادران و خواهرانم بود. وی افزود: اینکه ایست قلبی به طور مشخص چه علتی داشته است، موضوعی بود که به کالبدشکافی نیاز داشت و به دلیل شرایط خاص آن زمان کالبدشکافی انجام نشد. محسن هاشمی افزود: بحث رادپواکتیو موجود در بدن نیز از سوی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به خانواده اعلام شد؛ اما این را نمی‌توان مطرح کرد که رادپواکتیو بر فوت اثری داشته است؛ شاید اگر این صورت مسئله در رسانه‌ها مطرح نمی‌شد، بهتر بود.»